



شیخ آقابزرگ تهرانی

گفتگو با

دکتر علی نقی منزوی و استاد احمد منزوی

گفتگوگر

خانم دکتر فریبا افکاری

نشریه کتاب ماه کلیات ۶۹ و ۷۰، سال ششم، شماره نهم و دهم، شهریور و

مهر ۱۳۸۲، برگه ۴ - ۱۳

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

۱	شیخ آقابزرگ تهرانی
۱	شیخ آقا بزرگ تهرانی در گفت و گو با احمد و علی نقی منزوی
۱	مقدمه
۲	فهرست نگاری
۲	الف: کتاب شناسی و فهرست نویسی در نجف
۶	ب: فهرست نویسی در پاکستان
۱۰	ج: فهرست نویسی نسخ خطی، مشکلات و دورنمای آن
۲۱	کتاب نامه
۲۱	نمایه کتاب و مقاله

شیخ آقابزرگ تهرانی

در گفتگو با دکتر علی نقی منزوی و استاد احمد منزوی

گفتگوگر خانم دکتر فریبا افکاری

نشریه کتاب ماه کلیات ۶۹ و ۷۰، سال ششم، شماره نهم و دهم، شهریور و مهر ۱۳۸۲، برگه ۴ - ۱۳

شیخ آقا بزرگ تهرانی در گفت و گو با احمد و علی نقی منزوی

مقدمه

در بعد از ظهر ۲۹ مرداد ۸۲، با دو تن از فهرست‌نویسان و نسخه‌شناسان بزرگ و با تجربه ایران که سنت ارزشمند کتاب‌شناسی را از پدر بزرگوار خود «حاج آقابزرگ» به ارث برده‌اند در دفترنامه بهارستان که نام و محلی آشنا برای علاقمندان این حوزه است به گفت و گو نشستیم.

دکتر علی نقی منزوی و استاد احمد منزوی هر دو ساده و بی‌پیرایه دعوت‌مان را برای صحبت پذیرفتند. خواستیم تا سوالات کلیشه‌ای نکنیم و جواب‌های تکراری نشنویم. به همین دلیل کوشیدیم تا بیشتر به مشکلات عملی موجود در حوزه نسخ خطی بپردازیم و راهکارهای اجرایی بیابیم و از طرح‌ها و پیشنهادهای بهره‌بریم تا جایی که پس از خواندن آن، علاقمندی بر سر ذوق آید، مسئولی، دلسوزانه همراه شود، کاری از پیش برود و ما را نیز دانش افزایش دهد.

در این جلسه، آقایان نادر مطلبی کاشانی، سردبیر نامه بهارستان، آقای عارف نوشاهی، فهرست‌نویس و نسخه‌شناس پاکستانی که سال‌ها در کنار منزوی به تحقیق پرداخته است و آقای دکتر جعفری‌مذهب که از محققان و علاقمندان نسخ خطی است حضور داشته و با طرح سوالاتی نیکو به اجرای بهتر این مصاحبه کمک کردند که از تمامی آن‌ها سپاسگذارم.

فهرست‌نگاری

الف: کتاب‌شناسی و فهرست‌نویسی در نجف

افکاری: جناب استاد منزوی، همیشه این سوال برایم مطرح بوده که عالم یزرگی چون مرحوم آقابزرگ تهرانی چگونه یک تنه موفق به نگارش کتاب‌شناسی بزرگی چون «الذریعه» می‌شود؟ لطفاً برایمان توضیح بدهید که طرح چنین کاری چگونه شکل گرفت و عملی گردید؟

علی‌نقی منزوی: حتماً آن داستان معروف را شنیده‌اید. اساس کار الذریعه از آن جایی ریخته شد که پدرم، سید حسن صدر و شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء، سه یار همکار، به این نتیجه رسیدند که کارهایی در جهت پاسخ‌گویی به برداشت‌های جرجی زیدان انجام دهند و قراری میان خود گذاردند. این ماجرا در شرح حال پدرم تألیف عبدالرحیم محمدعلی و در چند جای دیگر آمده است.

جرجی زیدان، مانند همه مسیحیان پس از رنسانس، به ملیت بیش از مذهب بها می‌داد. او یک مسیحی بود با اندیشه‌های تند ناسیونالیستی عرب. نوشته‌های او به زبان عربی بود و به نجف می‌رسید و تکانی به جامعه بسته آن زمان داد. کار بدین گونه تقسیم شد که سید حسن صدر کتابی در پیش‌گامی شیعیان در همه دانش‌ها و فنون که عموماً زیر فشار مرکز خلافت عرب بود بنگارد که حاصل کارش کتاب «تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام» بود. او نشان داد که پایه‌گذاری هنرهای اسلام از شیعیان است، مثلاً نخستین کتاب پزشکی، کیمیا و.... را شیعیان نگاشته‌اند. من مدتی این کتاب را جزو برنامه درسی دانشجویانم نهاده بودم و از آن امتحان می‌گرفتم.

شخص دوم محمدحسین کاشف‌الغطاء بود که کتابی در خرده‌گیری به برداشت‌های جرجی زیدان نگاشت که چاپ یکم آن در آرژانتین که عرب مسلمان مهاجر بسیار دارد، انجام گرفت^۱. سومین آن‌ها پدرم (آقام) بود که تعهد کرده بود کتابی در تألیف شیعه‌بنگارد که حاصل کارشان دو دوره کتاب الذریعة إلى تصانیف الشيعة در ۲۹ مجلد و «طبقات أعلام الشيعة» بود. او نشان داد که اقلیت شیعی که در نظر جرجی زیدان اندک شمرده شده بود، چه نقشی در فرهنگ اسلامی و حتی تمدن بشری داشته است.

افکاری: لطفا در مورد روش کار ایشان و نوع منابعی که از آن برای نگارش الذریعة سود می‌جستند، توضیح بفرمایید؟
علی‌نقی منزوی: ایشان به همان روش سنتی خود کار می‌کردند، ابتدا یک مجلد از برگ‌های سفید را میان حروف الفبا تقسیم کردند و هر کتابی یافتند به جای خود معرفی می‌کردند، سپس دریافتند که آن یک مجلد تنگ و کم است و آن در شش مجلد به ترتیب حروف الفبا نگاشتند و این شش مجلد بود که در پاک‌نویس و چاپ در ۲۹ مجلد منتشر گشت و سپس ما (فرزندان) نیز فهرست أعلام الذریعة را بدان ملحق کردیم.
 پدرم از کتابخانه خود که منبع اصلی کارش بود، استفاده می‌کرد؛ البته سفرهای زیادی به کتابخانه‌های عراق و ایران و کشورهای عربی کرده بود، اما ابزار اصلی همان کتابخانه شخصی خودش بود که طی سال‌ها جمع کرده بود، از نظر شمار اندک و تا حدود پنج‌هزار مجلد را در بر می‌گرفت، ولی از نظر کیفیت بسیار غنی بود، به ویژه از نظر کتاب‌های مرجع، رجال و تذکره که کمک زیادی به ایشان در نگارش الذریعة کرد.

^۱ Z: المراجعات الريحانية؛ یا النقود و الردود؛ یا «المطالعات و المراجعات، محمدحسین کاشف‌الغطاء (۱۲۹۴ - ۱۳۷۳ق / ۱۸۷۷ - ۱۹۵۴م)، چاپ بیروت، ۱۳۳۱ق / ۱۹۱۳م.

شیخ آقابزرگ تهرانی

۴

پدرم کتابخانه را خیلی دوست داشت و شب‌ها تا دیر هنگام در آن مشغول به کار بود و گاهی همان جا می‌خوابید. ایشان این کتابخانه را وقف کرده و وصیت کرده بود که پس از مرگ در همان جا به خاک سپرده شود و همان گونه نیز عمل گشت و طبق وصیت، من متولی آن کتابخانه هستم و اکنون در همان جا زیر نظر آیت الله سیستانی می‌باشد.

افکاری: الذریعة برای اولین بار در کجا به چاپ رسید؟

علی نقی منزوی: در همان جا دوستان اهل فن و کتاب‌شناسان، پس از آگاهی از کار الذریعة از پدرم خواستند تا ذریعه را به چاپ برسانند. در همین میان عموی پدرم شادروان حاج حبیب‌الله محسنی که از بازرگانان تهران بود و برای زیارت عتبه امامان آمده بود، پانصد تومان که آن روزها پولی بسیار بود، برای چاپ ذریعه داد.

دوستان دیگری نیز از جمله سید محمدصادق بحرالعلوم، صادق کمونه و شیخ محمدعلی اردوبادی پیشنهاد کردند که با آن پول چاپخانه‌ای برپا شود تا کار چاپ را همان جا انجام دهیم. چاپخانه خریداری و نام آن «مطبعة السعادة» گذاشته شد. من نیز حروف چینی آموختم و به کار پرداختم، اما رئیس دولت آن روز عراق، «نوری سعید» بسیار تندرو بود و از اجازه دادن به ایجاد چاپخانه‌ای از سوی یک ایرانی مخالفت کرد.

پدرم پس از یک سال، چاپخانه را فروختند و با پول آن چاپ مجلد یکم «الذریعة» آغاز شد و در سال ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۶ م در نجف به پایان رسید و بعدها جلد دوم و سوم در همان جا و مجلد چهارم به بعد را در تهران به چاپ رساندیم.

افکاری: نام حاج آقابزرگ در روی جلد مجلد اول نیامده است چرا؟

علی نقی منزوی: بله، هنگامی که مجلد یکم ذریعه چاپ شد نام مؤلف در صفحه عنوان «آقابزرگ»، نوشته شده بود، اما این نام به دلیل فارسی بودن آن مورد اعتراض دولت عراق واقع شد و پدرم ناگزیر نام محمدمحسن را به جای آن نهاد. کسی که نه در عراق و حتی نه در زادگاهش تهران، ایشان را به نام محمدمحسن نمی‌شناخت. محمدمحسن نام نیایش بود و طبق سنت تهرانی‌های قدیمی، برای بزرگداشت نام جدش، از کودکی ایشان را آقابزرگ خطاب می‌کردند. نیای پنجم ما به نام محسن در رشت بود، اما تا آن جا که می‌دانیم از پنجمین نیا به این سو همه تهرانی بوده‌اند.

افکاری: حال که سخن به این جا رسید در مورد انتخاب نام فامیل منزوی نیز اشاره‌ای بفرمایید.

علی نقی منزوی: پدرم به سامره که رفت در آن جا مشغول کار تألیف ذریعه شد و خود را گوشه‌نشین می‌دید.

دکتر علی نقی منزوی

شیخ آقابزرگ تهرانی

۵

ایشان در سال ۱۳۲۱ خورشیدی که می‌خواستند برای زیارت به ایران بیایند به بغداد رفته و برای خود و خانواده شناسنامه گرفتند آن جا از ایشان خواستند که نام فامیلی برگزینند و ایشان منزوی را برگزید. این نام فامیل ایشان در شناسنامه و گذرنامه است و ما نیز همین‌طور. نام فامیلی ایشان قبلاً محسنی بود در عراق افراد را به شهرستان ایشان می‌خواندند؛ اصفهانی، قمی و ... و پدرم را به نسبت تهرانی می‌شناختند نه محسنی و نه منزوی. اما پس از آن که نام منزوی را انتخاب کردند، این نام به ما به ارث رسیده است.

(علی نقی منزوی: واقعیتش این است که مرحوم پدرم می‌خواست تشیع را نشان بدهد و تشیع را به عنوان اسلام واقعی، اسلام برتر و بهتر و قابل اجراتر نشان بدهد و لهذا در ترتیب کتاب طبقات اعلام الشيعة، یازده قرن پس از امام غائب به این طرف را بیان کرده است، یعنی شیعه‌های زمان پیامبر و حضرت علی را نیاورده است)

افکاری: کمی در مورد تدوین «طبقات اعلام الشيعة» برایمان بگویید؟

علی نقی منزوی: واقعیتش این است که مرحوم پدرم می‌خواست تشیع را نشان بدهد و تشیع را به عنوان اسلام واقعی، اسلام برتر و بهتر و قابل اجراتر نشان بدهد و لهذا در ترتیب کتاب طبقات اعلام الشيعة، یازده قرن پس از امام غائب به این طرف را بیان کرده است، یعنی شیعه‌های زمان پیامبر و حضرت علی را نیاورده است، چون آن‌ها صاحب تألیف و نظر و اجتهاد نبوده‌اند و حق اجتهاد نداشته‌اند، آن‌ها بیشتر گردآورنده احادیث بودند و لهذا تشیع پدرم این شکلی است. او بسیار معتقد بود تا شب مرگش هم نماز شبش ترک نشد، چه برسد به نمازهای روزش.

دکتر علی نقی منزوی

ب: فهرست‌نویسی در پاکستان

کاشانی: جناب آقای نوشاهی، شما از نحوهٔ آشنایی و هم‌کاریتان با استاد و کار فهرست‌نویسی نسخ خطی در پاکستان بگویید.

نوشاهی: من در ۱۹۷۴م در مرکز تحقیقات بودم و استاد احمد منزوی در ۱۹۷۶م آمدند. من آن وقت در آن جا به ثبت کتاب‌های چاپی و تنظیم برگه‌های آن‌ها می‌پرداختم. در اواخر مأموریت آقای تسبیحی بود که من به برگه‌نویسی کتب خطی مشغول شدم و بعد از آمدن استاد منزوی فهرست‌نویسی کتب خطی را زیر نظر استاد شروع کردم و ابتدا براساس برگه‌های تنظیمی آقای تسبیحی کار کردم، مثلاً برگه‌هایی که در جلوی نام مؤلف؛ یا کتاب نوشته بود «ناشناخته» را بیرون می‌کشیدم و با استاد منزوی به جست و جو می‌پرداختم، مثلاً طب ناشناخته، عرفان ناشناخته و استاد باتوجه به آگاهی و شناختی که داشتند و با رجوع به منابع آن‌ها را شناسائی می‌کردند که برایم خیلی جالب بود و بعدها در کار فهرست گنج‌بخش و فهرست مشترک با ایشان هم‌کاری داشتم به کتابخانه‌های مختلف می‌رفتم و برگه می‌نوشتیم و من آن برگه‌ها را به ایشان می‌دادم و استاد هم نظرشان را روی آن برگه می‌نوشتند و دوباره به من می‌دادند و آن‌ها را پس از تأیید مرتب و آماده‌سازی می‌کردم. من هنوز چند تا از آن برگه‌ها را نگه داشته‌ام. دو تا از این‌ها خیلی جالب است که استاد نظر داده‌اند.

روی یکی از برگه‌ها نوشته بودند: «نمکدان نیست»، یعنی همین جوری تحویل نده که هر جا آن را بگذاری و بنویسی، کمی تأمل کن؛

و روی برگهٔ دیگر نوشته بودند: «بی‌انصاف! کتاب خیلی مهمی است» و منظورشان این بود که من در مورد آن کتاب کوتاهی کرده بودم و به تفصیل ننوشته بودم همهٔ این‌ها برای من نوعی تربیت بود و از آن زمان، خاطرات خیلی خوبی داشتم.

ایشان روش کارشان این‌گونه بود که اگر کتاب ناشناخته‌ایی را می‌شناختیم جلوی جمع و در نزد همه، آفرین می‌گفتند و ما را تحسین می‌کردند که خیلی این کار تأثیر داشت و اگر از کاری خوششان نمی‌آمد، سرزنش؛ یا انتقاد می‌کردند که هر دوی این رفتار برای ما آموزنده و مهم بود.

در سال ۱۹۸۲م من دیگر از مرکز به کراچی رفتم. من به جرأت می‌توانم بگویم که در هیچ کجا نه در ترکیه، نه هند نه در ایران و نه در کشورهای دیگر کار فهرست مشترک انجام نشده، اما بخاطر برکت وجود استاد در پاکستان این کار انجام گرفت و هم‌کاری در تدوین فهرست مشترک پاکستان برای من واقعاً افتخار بزرگی بود.

این فهرست برای استفاده نسل جدید بسیار مهم است چرا که در بسیاری از تحقیقات و پژوهش‌ها، تاریخ‌نگاری و... به کار می‌آید. استاد علاوه بر راهنمایی در مسایل کاری، در مسایل شخصی نیز راهنمای خوبی برای من بودند حتی به گونه‌ای بود که ازدواج و تشکیل خانواده من زیر نظر و با مشورت ایشان انجام گرفت و ایشان خیلی به من در این راه کمک کردند. علاوه بر آن خیلی با هم نزدیک و صمیمی بودیم در مراسم مختلف و یا برای دیدن فیلم و سینما و سفرهای بسیاری در پاکستان با هم بودیم. خلاصه آن که خاطرات مشترک بسیاری در کنار هم داریم.

احمد منزوی: توجه به فرهنگ ایرانی الزامی است. باید ارتباط وجود داشته باشد و قطع نشود باید

کسانی که در آن جا هستند، از استادان و کسانی که اصطلاحات و فرهنگ آن جا را

می‌شناسند به ایران دعوت شوند و مورد حمایت قرار گیرند. کسانی که

فرهنگی باشند ایرانی باشند؛ یا نباشند فرقی نمی‌کند.

کسانی که امین باشند و نسبت به

فرهنگ ایرانی دوست‌داری

و احساس هم‌دردی

داشته باشند.

افکاری: استاد با توجه به حجم فراوان نسخ خطی که در پاکستان، هند و شبه‌قاره وجود دارد و با توجه به کمبود فهرست‌نویسان نسخ خطی در آن جا، آیا بهتر نیست که ابتدا فهرستی الفبایی و مختصر «نامگو» از این نسخ تهیه شود و بعدها فهرست‌نویسی کامل آن‌ها منتشر گردد؟ نظر شما چیست؟

احمد منزوی: نه، این کارهایی است که کم و بیش شده و بهتر است با وضع موجود همه را همان وقت که در دست می‌گیریم کامل کنیم و همان جا توصیفش را بنویسیم، چون تجربه نشان داده است که امکان دستیابی و برگشتن همیشه نیست.

افکاری: جناب آقای نوشاهی، بعد از آمدن استاد به ایران، روند فهرست‌نویسی در پاکستان چگونه ادامه یافت؟
نوشاهی: استاد منزوی، بنیان‌گذار فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی در پاکستان هستند و بعد از بازگشت ایشان به ایران دیگر نه تنها کسی نیست که کار ایشان را ادامه دهد؛ بلکه نهضت فهرست‌نویسی نیز در پاکستان به تعطیلی کشیده شد. می‌بایست کسی کار ایشان را انجام و ادامه دهد؛ یا مرکزی، مثل مرکز تحقیقات زبان فارسی در پاکستان می‌بایست فردی را تعیین کند تا ادامه‌دهندهٔ این راه باشد. شما می‌دانید که در پاکستان ۳۰۰۰۰ [سی هزار] نسخهٔ خطی است و آن وقت که استاد بودند تنها ۸۰۰۰ فهرست شد و هم اکنون ۲۲۰۰۰ نسخهٔ خطی فهرست نشده وجود دارد که نمی‌دانیم در قبال این حجم فراوان نسخهٔ خطی چه بکنیم؟

افکاری: استاد منزوی، نظر شما دربارهٔ ادامه کار فهرست‌نویسی چیست؟ آیا باید فهرست‌نویسی را به نیروهای محلی واگذار کرد؛ یا می‌بایست نظارت و حمایتی از سوی فهرست‌نویسان ایرانی و مراکز یا مؤسساتی که مسئول این کار هستند، وجود داشته باشد؟

احمد منزوی: توجه به فرهنگ ایرانی الزامی است. باید ارتباط وجود داشته باشد و قطع نشود. باید کسانی که در آن جا هستند، از استادان و کسانی که اصطلاحات و فرهنگ آن جا را می‌شناسند به ایران دعوت شوند و مورد حمایت قرار گیرند. کسانی که فرهنگی باشند، ایرانی باشند؛ یا نباشند فرقی نمی‌کند. کسانی که امین باشند و نسبت به فرهنگ ایرانی دوست‌داری و احساس هم‌دردی داشته باشند.

اگر آن‌ها را دعوت کنیم و حمایت نماییم، آن‌ها هم دلگرم شده و با ما هم‌کاری می‌کنند. من وقتی که به ایران آمدم، بیشتر مشکلات مرکز را به آقای دکتر مهاجرانی منتقل کردم و بعد ایشان لطف کرده و مرا به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی معرفی کردند.

من به ایشان عرض کردم که خانه‌های فرهنگ ما باید تبلیغات فرهنگی کافی داشته باشند. باید مؤسسات فرهنگی مسئول برای تدوین فهرس نسخ خطی در خارج از کشور ایجاد و حمایت شوند تا بتوانیم کارهای فرهنگی خوبی انجام بدهیم.

وقتی به دایرة‌المعارف و پیش آقای بجنوردی آمدم، آقای دکتر بجنوردی گفتند ما طرحی درباره کتاب‌شناسی جهان اسلام در دست تدوین داریم و هزاران برگه در این رابطه تهیه کرده‌ایم و به من اجازه دادند تا در کنار آن‌ها به تدوین فهرست نسخ خطی آن جا و کار خود بپردازم.

من گفتم که کتاب‌شناسی جهان اسلام بهتر است که در سازمان‌های محلی و متمرکز در هر کشور تهیه شود نه در ام‌القری که ایران باشد. باید در هند، پاکستان و ... باشد چون زبان در این کشورها تنها زبان عربی، ترکی و فارسی نیست، زبان اردو چهارصد میلیون جمعیت دارد. ما نمی‌توانیم این جا بشینیم و از این جا درباره آن‌ها و برای آن‌ها تألیف کنیم، باید در خود کشورهایشان کسانی باشند که بتوانند منابع مکتوبشان را بخوانند و منتشر کنند.

ما بعضی از خطوط نسوخ خطی آن‌ها را نه تنها نمی‌توانیم، بخوانیم؛ بلکه حتی نمی‌توانیم بالا و پایین صفحه آن‌ها را بشناسیم و به دست بگیریم، این‌ها هم فرهنگ اسلامی است، یعنی گجراتی، هند و اردو و زبان‌های محلی همه و همه متعلق به تمدن اسلامی هستند. یک نفر در رأس باشد و ارتباطش را با ایران و فعالیت‌های فرهنگی که در این جا انجام می‌شود، حفظ کند.

ما باید از اطلاعاتی که از آن‌ها می‌یابیم در این جا کتاب‌شناسی جهان اسلام را بنگاریم و شکل بدهیم. ما هم‌اکنون در مراکش و تونس هیچ‌کس را نمی‌شناسیم. باید محققان تونس خودشان برای خودشان فهرستی تهیه کنند و بعداً در نسل آینده، این فهرست‌ها به ایران منتقل گردد و بر آن اساس کتاب‌شناسی‌های بزرگ‌تری شکل بگیرد. خلاصه، این نظر من است که می‌باید از همان دانشمندان محلی و در رأس‌شان یکی از علاقمندان که عشق‌شان به فرهنگ ایرانی است، استفاده شود.

ج: فهرست‌نویسی نسخ خطی، مشکلات و دورنمای آن

جعفری مذهب: استاد، وضعیت فهرست‌نویسی نسخ خطی هم‌اکنون در سطح بین‌المللی نیز وضعیت مطلوبی ندارد و به نظر من تنها کوتاهی از سازمان‌های فرهنگی و دولت‌ها نیست، این که شما شاگرد خوب پیدا نمی‌کنید که مثلاً مثل آقای نوشاهی بیاید و مجانی درس بگیرد و کار کند و خدمت کند هم یک معضل است.

احمد منزوی: عدم بوجه کافی علت عدم اقبال است که جوانان نمی‌توانند با حقوق اندک کارمندی کنار ما بنشینند.

افکاری: استاد چگونه می‌خواهید شاگرد تربیت کنید و روش عملی آن چیست؟

احمد منزوی: درباره آموزش تئوریک برای فراهم ساختن نیرویی برای نسخه‌شناسی و فهرست‌نویسی بارها نظر خودم را داده‌ام. تشکیل آن‌گونه کلاس‌هایی که استاد روان‌شاد محمدتقی دانش‌پژوه عملی کردند و از استادان آن کلاس‌ها برادر و استادم دکتر علی‌نقی منزوی بودند ضروری و بسیار لازم است، ولی همیشه اعتقاد داشته‌ام که از هر ده تخم‌گذاری که میان بلبل‌ها انجام می‌گیرد، یکی از آن‌ها به نتیجه می‌رسد و مابقی به گروه گنجشک‌ها در خواهند آمد.

با توجه به بی‌کاری بسیار در میان فارغ‌التحصیلان و شوق به داشتن مدارک بالاتر میان کارمندان شاغل، مخصوصاً برای کاستن از فشار مالی حاکم بر آنان که حق هر کسی است، چه امیدی می‌توان بر علاقمندی و تشکیل کلاس‌های نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی داشت، مگر این که شرایط آن را آماده کنیم. انتخاب این حرفه نیاز به ایثار بسیار دارد. ایثار مادی و معنوی، در گذشته این ناچیز با حقوق معلمی و حق‌التألیف هر عنوان کتاب که بالغ بر پنج تومان بود صاحب‌خانه شدم و از نظر معنوی نیز بهره‌مند بودم، اما حالا از حتی یک جوان علاقمند چه انتظاری می‌توان داشت؟

جعفری مذهب: یکی از عدم علائق و انگیزه‌های روی آوردن به کار فهرست‌نویسی نسخ خطی آن است که آن شاگرد هم نگاه می‌کند به وضعیت استادش و طبیعتاً ناراحت می‌شود، اما فقط به زور این که دولت با فرهنگ و بودجه و پول کافی و آدم جسور انتظار داشته باشیم، کافی نیست، شاید لازم است که خود فهرست‌نویس‌ها و فهرست‌نویسی نیز اندکی خودشان را تغییر دهند تا شرایط بهتر شود.

فکر می‌کنم که در سطح بین‌المللی نیز همین‌طور شده است. اگر فهرست‌نویسی بخواهد باقی بماند باید خودش را بسازد و توانش را افزایش دهد. فهرست‌نویسی ما خودش را با شرایط روز دنیا تطبیق نداده است. یکی از روش‌های جدید فهرست‌نویسی به ویژه رده‌بندی، تطبیق با رده‌بندی‌های موجود کتاب‌داری دنیا است. رده‌بندی نسخ خطی ما نه منطقی است نه فلسفی نه کلی نه جزئی.

من نمی‌گویم که رده‌بندی دیویی را بپذیریم، ولی باید سرانجام فهرست‌نویسی و رده‌بندی در مرحله دوم در قالب الکترونیکی و به قول امروزی‌ها دیجیتالی شود. اگر این حالت را پیدا کند و آن روش را به کار ببرد، بازیابی اطلاعات آسان‌تر شده و زحمت همه ما کم می‌شود، دیروز گذشت، اما اگر امروز فهرست‌نویسی خودش را دیجیتالی نکند، بازیابی آن باز هم سخت‌تر می‌شود. بدین معنا که هر فهرست‌نویسی مجبور است اطلاعاتی را بخواند در حالی که این اطلاعات اگر در یک فرمت خاص بیاید فهرست‌نویس‌های آینده ما که می‌خواهیم راغبشان کنیم که به این فن پناه ببرند و روی کنند دیگر زحمت‌های ما را نمی‌کشند. چون با یک روش نوین رده‌بندی و بازیابی مکانیکی سریع می‌توانیم بسیاری از مشکلاتی را که شما با آن مواجه بودید حل کنیم. این باعث می‌شود که فهرست‌نویس نسل جدید مشکلات نسل شما را نداشته باشد؛ یا حداقل کمتر باشد.

در واقع نسل جدید دیگر تلاش‌های خود را از صفر شروع نکند.

ما اگر می‌خواهیم جوان را تشویق کنیم که بیاید و با علاقمندی و حتی مجانی کار کند دیگر نباید کارهایی که ما و شما از صفر شروع کردیم از صفر شروع کند. متأسفانه تقریباً هر نسلی که کاری می‌کند از صفر شروع می‌کند، یعنی ما مجبوریم همه فهرست‌ها را ببینیم. اگر فهرست‌واره شما بر اساس طرحی مثل دیویی چیده می‌شد با هم‌کاری یک کتاب‌دار آن را بر اساس تجربیات کتاب‌داری با روش‌های نوین تطبیق می‌داد و به راحتی با حداقل وقت می‌توانستیم حداکثر تجربیات جناب‌عالی و برادران و تمام فهرست‌نویسان را سازمان‌دهی کنیم.

قصد من این است که بگویم تمام تقصیرها به گردن دولت و سازمان‌های فرهنگی نیست. دنیای امروز دنیای سرعت است، همه عجله دارند، در گذشته یک محقق ممکن بود به خاطر یک نسخه کوچک، ۱۲ فهرست را ببیند ولی الان ۵ دقیقه حاضر

نیست پشت کامپیوتر وقت صرف کند چون حوصله‌اش سر می‌رود و اصلاً هم نمی‌داند که شما به خاطر هر کدام از این‌ها چقدر زحمت کشیده‌اید. فهرست‌نویسی ما یا نخواستہ یا نتوانسته خودش را تطبیق دهد.

احمد منزوی: نتوانسته یا نخواستہ، من شخصاً از کامپیوتر هیچ شناختی ندارم. برای من دیگر گذشته است، من حتی از تمام امکانات یک دستگاه کامپیوتری گوشی تلفن هم نمی‌توانم استفاده کنم. من بارها بر سر این مطلب بحث داشتم که چاپ فهارس کامپیوتری یا دیجیتالی را باید برای ۱۰ - ۱۵ سال آینده بگذاریم، یعنی فهرست‌ها باید هم‌چنان روی نسخه کاغذی چاپ بشوند نه این که از یک تاریخی به بعد فقط نسخه کامپیوتری آن به بازار عرضه بشود، چون پیرمردهایی مانند من هستند که توانایی این که کامپیوتر یاد بگیرند، ندارند و انگهی برای استفاده از کامپیوتر لوازم دیگری است ... از قبیل لوازم جانبی و برنامه و ... که هیچ یک از این‌ها به راحتی در اختیار همه نیست.

در بخش دایرة‌المعارف و همه کتابخانه‌ها دایره‌ای هست به نام دایرة کامپیوتر که هر از گاه باید بیایند به اتاق من سر بزنند و مشکلات دستگاه‌ها را برطرف کنند؛ بنابراین، پیشنهاد من این بوده که برای تعطیل نکردن سازمان‌هایی که در اطراف و اکناف مملکت مانند ابرقو و جندق و بسیاری از مراکز علمی دیگر که حتی کامپیوتری ندارند و به این آسانی‌ها نمی‌توانند از آن استفاده کنند، بهتر است فعلاً چاپ فهارس تا ۷۰، ۸۰ جلد به شکل مکتوب انجام شده و حتی در هم ادغام شود، چون فهرست‌های کتابخانه‌های مختلف با شیوه‌های مختلف و افراد و اندیشه‌های مختلف فصل‌بندی و تدوین شده که باید یک‌دست شود. بگذارید کمی کاغذ هم این جا استفاده و حرام شود. فلان مرکز می‌گوید فهرست ما دیسکت دارد می‌گوییم دیسکت شما را در مرکز ما نمی‌توانند، استفاده کنند. من خواهش می‌کنم به این مسأله توجه شود، یادم هست استاد ایرج افشار نیز جایی فرمودند که از ایشان خواسته‌اند تا جلد ششم فهرست مقالات را کامپیوتری کنند و ایشان گفته‌اند اول مکتوب و کاغذی باید چاپ شود و بعد کامپیوتری.

جعفری مذهب: آینده فهرست‌نگاری را با این وضعیت نمی‌توان حفظ کرد.

احمد منزوی: خوب می‌دانم، ولی من چه کار کنم، من نمی‌توانم یاد بگیرم.

جعفری مذهب: استاد لازم نیست، شما یاد بگیرید، دو مسأله این جا مطرح است:

- یکی اعتقاد؛

- و یکی توانایی.

اگر فهرست‌نویسی اعتقاد داشته باشد که باید رده‌بندی داشته باشد، حتماً آن را انجام می‌دهد.

احمد منزوی: من چگونه می‌توانم به کتاب «جامع الحکایات» که دارای همه چیز است یک موضوع؛ یا رده بدهم؟ و اصولاً چه موضوعی بدهم؟

جعفری مذهب: استاد، علم کتاب‌داری برای تمام این موضوعات فکر کرده است.

احمد منزوی: نه برای کتاب‌های قرون وسطایی نیز کاری نکرده‌اند؛ بلکه رده‌بندی برای کتاب‌های جدید و امروزی عملی شده است. کتاب‌های پیش از رده‌بندی هم اگر قرون وسطایی نبوده، رده‌بندی شده است، اما کتاب‌هایی که موضوعش معلوم نیست مثلاً شامل همه موضوعات حدیث، اخلاق، سفرنامه و ... است چه نمره و موضوعی بدهیم؟

جعفری مذهب: چند درصد از کتاب‌ها مگر موضوعاتشان از این دست است؟ بیش از پنجاه درصد است؟ پس پنجاه درصد بقیه را درست کنیم.

کاشانی: صحبت بر سر این است که باید به کتاب‌داری جدید نزدیک شویم. در کتابخانه‌های ما، آن‌هایی که کتاب‌داری جدید خوانده‌اند با روش‌های سنتی و نسخ‌های خطی و کتاب‌داری سنتی کار نکرده‌اند و غریبه هستند و اصلاً اعتقادی ندارند و برعکس آن‌هایی که با نسخ خطی و کتاب‌داری سنتی کار کرده‌اند اعتقادی به کتاب‌داری جدید ندارند نتیجه نیز همین است که می‌بینیم که فقط فاصله‌ها بیشتر شده و می‌شود و یک راه حل سومی نیز یافته نمی‌شود که علم جدید را با دانش قدیم به نحوی تلفیق کرد و نزدیک ساخت.

کتاب‌داران کتاب‌داری جدید و پیشکسوت ما هم کوشش آن‌چنانی نکرده‌اند نه برای نسخه‌های خطی و نه کتاب‌داری. اگر کوششی انجام می‌شد تاکنون می‌بایست نتیجه‌ای داده باشد و از این همه متخصصان کتاب‌داری که از دانشگاه‌های کشور فارغ‌التحصیل می‌شوند، چیزی حاصل می‌شد که نشد. تا ۳۰ الی ۴۰ سال پیش هم آدم‌های مختلفی آمدند و رفتند، این همه کتاب‌دار به اروپا و آمریکا سفر کردند و تحقیق نمودند، اما نتیجه چه شد؟! به هر حال در کتابخانه‌های دنیا و اروپا و

آمریکا سفر کردند و تحقیق نمودند، اما نتیجه چه شد؟! به هر حال در کتابخانه‌های دنیا و و اروپا و آمریکا نیز بخش قابل توجهی از نسخه‌های خطی وجود دارد. اگر به مقدار ایران و ترکیه و هند و پاکستان نیست به هر حال مقداری هست که بتوان برای ساماندهی آن برنامه‌ای تدوین کرد.

منزوی: در جواب باید بگویم نه! آن‌ها هم کاری نکرده‌اند.

افکاری: استاد، من با کلیت نظر دوستان موافقم، اما فکر می‌کنم که نباید این تصور برای نسخه‌شناسان و اساتید این فن به وجود بیاید که رده‌بندی‌های دیوی و LC را بگذاریم جلوی روی‌مان و بگوییم خوب حالا بر این اساس، موضوعات نسخه‌های خطی را تدوین کنیم. هیچ‌وقت چنین اتفاقی نخواهد افتاد، چرا؟ به این دلیل که آن موضوعات قابل تطبیق با نسخ خطی نیستند. همان‌طور که می‌فرمایید مجموعه‌ها، جنگ‌ها، و علوم قدیمه‌ای که عموماً در این رده‌ها ممکن است به این شکل امروزی تعریف نشده باشند، قابل تطبیق نخواهند بود، اما یک کار را می‌توانیم انجام دهیم و آن این است که همان‌گونه که آقای دکتر جعفری مذهب و کاشانی نیز بدان اشاره داشتند که باید با روش‌های علمی، اطلاعات فهرست‌های نسخ خطی استخراج شده و با روش‌های جدید، کامپیوتری و سازمان‌دهی شود و این اطلاعات برای نسل بعدی یا کتاب‌داران جدید قابل جست و جو و تحقیق گردد.

من خود از نسلی هستم که در هر دو حوزه نسخ خطی و کتاب‌داری جدید تحصیل و کار کرده‌ام. می‌دانم که در برخی موارد بسیاری از دیدگاه‌ها نزدیک، مشابه؛ یا قابل تطبیق هستند. برخی موضوعات قابل تقسیم‌بندی و انعطاف می‌باشند و مسائل دیگر ... اما این بدان معنا نیست که از هر طرف که هستیم دیگری را نقض کنیم؛ یا با روش‌های نو مخالفت ورزیم.

کتاب‌داری جدید باید با استفاده از توانایی‌هایی کاربردی و تکنولوژی خود بتواند به تجهیز و عملی‌تر شدن حوزه نسخ خطی و کتاب‌داری سنتی با حفظ اصول و قواعد و ماهیت آن بپردازد. این بدان معنا نیست که جناب عالی، استاد حائری و دیگران، پشت کامپیوتر بنشینید و موضوعات را یک به یک در فرمت‌ها؛ یا قالب‌های محدودی وارد کنید. اصلاً شاید این توقع بی‌جایی باشد که از فهرست‌نویسانی که با آن سنت کار کرده‌اند که اساساً ماهیت نسخه خطی ایجاب می‌کند که به تفصیل به معرفی جنگ‌ها و مجموعه‌ها و چندموضوعی بودن برخی رسالات بپردازید و زیاد نوشته و شناخته شود، بخواهیم

تا همه چیز را یک شبه و یک‌باره به کناری بگذارند و سر تا پا دیجیتالی شوند و شاید بتوان بدین‌گونه بحث را ادامه داد که جناب‌عالی به عنوان فهرست‌نویس، هر آن‌چه که می‌خواهید دربارهٔ نسخه‌ای بنویسید، اما در مرحلهٔ بعد کار را به دست کسانی بدهید که از جملهٔ متخصصان کتاب‌داری و کامپیوتر هستند و مسئول ورود آن اطلاعات به کامپیوتر و چاپ کتاب می‌باشند. او باید این اطلاعات تولید شده توسط شما را به شیوه‌ای مدرن سامان‌دهی و چاپ کند که مورد نظر شما باشد و درضمن بتواند به فرمت‌های قابل چاپی تبدیل شود که تمام اطلاعات فهرست‌ها را بتواند جست و جو کند و خروجی بگیرد، مثلاً ما اگر بخواهیم نام کاتبان؛ و یا مؤلفان نسخه‌های خطی را در یک دوره زمانی بیابیم بتوانیم از آن طریق جست و جو کنیم.

نوشاهی: بعد از آمدن استاد منزوی فهرست‌نویسی کتب خطی را زیر نظر استاد

شروع کردم و ابتدا براساس برگه‌های تنظیمی آقای تسبیحی کار کردم، مثلاً

برگه‌هایی که در جلوی نام مؤلف یا کتاب نوشته بود «ناشناخته» را

بیرون می‌کشیدم و با استاد منزوی به جست و جو می‌پرداختم

نوشاهی: یعنی همان کاری را که آقای گلباز انجام داده‌اند.

افکاری: بله دقیقاً، یعنی قدرت جستجوی همه‌جانبه محقق را درمیان همهٔ اطلاعاتی که شما به خوبی دقیقاً جزئی‌ترین معرفی‌ها را در مورد آن‌ها انجام داده و ثبت کرده‌اید، راهنمایی کرده و به مقصد برساند، اما این توقع نیست که فهرست‌نویسی این کار را به تنهایی و خودش انجام دهد. به دلیل آن که اساساً مرحلهٔ دیگری غیر از کار فهرست‌نویسی نسخه‌ها است، اما سرعت و دقت انجام آن بیشتر است؛ البته من فکر می‌کنم که بلاخره زمان آن رسیده است که اساتید فهرست‌نویسی نیز مانند جناب‌عالی و دیگران موضوعات را به ترتیب اولویت و تقسیم‌بندی‌های جدید تعریف کنید تا تمام موضوعات تقریباً یک دست و تعاریف را آن‌ها روشن باشد.

موضوعات را با همان کاربردی که در متون و کتب قدیم داشته‌اند؛ و یا تاریخ علم آن زمان داشته است، ترتیب دهیم، اما شکل جدیدی به آن بدهیم و تدوین نماییم و به عنوان یک دستورالعمل موضوعی برای کتاب‌داران و فهرست‌نویسان در هر کتابخانه‌ای به کار گرفته شود تا در هر جا سلیقه‌ای و شخصی عمل نشود.

مثلاً فلسفه به جای کلام و کلام را به جای فلسفه بدهد.

احمد منزوی: آخر من نمی‌توانم کلام را در یک رساله‌ای از فلسفه جدا کنم.

افکاری: منظور من نیز، تعیین حد و مرز و تعریف همین چیزهاست. بگویید کجا چه‌طور باید عمل شود.

احمد منزوی: چه بگویم. الآن فلسفه و کلام دو مقوله‌اند، اما مثلاً روزی که کتاب تألیف شد متکلم و فیلسوف هر دو یکی بودند.

افکاری: خوب، شما امروز چه موضوعی که اخص‌تر است به آن می‌دهید؟

احمد منزوی: خوب من ناچارم امروز از روی ناگزیری و تسامح، موضوع فلسفه را برحسب مؤلف آن بگیرم که مثلاً باباافضل کاشانی فیلسوف است اما عزیز نسفی عارف بود، بعداً، مثلاً بگوییم که کتاب در باب وجود است؛ یا چیز دیگر ... و من کوشش می‌کنم برای این که زینتی داده باشم به فرهنگ‌مان، این را ببرم در فلسفه بعد در کلام که به آن رسیدم، بنویسم فلان کتاب در بخش فلسفه گذشت به آن بیفزایید.

افکاری: و یا اصلاً شاید برای کتابی در هر دو حوزه، بتوان دو موضوع تعریف کرد.

احمد منزوی: بله همین‌طور است.

کاشانی: استاد، موضوعی که امروزه به کتاب‌ها می‌دهیم بر اساس طبقه‌بندی علوم گذشته صورت می‌گیرد. فکر می‌کنید آیا جا ندارد که رده‌بندی علوم را به نحوی گسترش بدهیم، یعنی همان کاری که مرحوم طاهری عراقی کرد.

یکی از محسنات این کار و نتیجه‌اش در حوزه نسخ خطی است، یعنی باید رده‌بندی‌هایمان را در ادبیات، فلسفه و تاریخ گسترش بدهیم. به هر حال امروزه موضوعات جدید را باید به هم نزدیک کرد.

علی‌نقی منزوی: حالا که شما این بحث‌ها را می‌کنید، آیا این کارها اجازه می‌خواهد؟

افکاری: بله، هم اجازه می‌خواهد، و هم دستورالعمل کاری و حمایت شما اساتید را می‌خواهد. چه کسی باید این موضوعات را تقسیم‌بندی کند؟ طبیعتاً شما هستید و گرنه هر کس به شیوه دل‌خواه و سلیقه‌ای خودش عمل می‌کند، بعد هم می‌گوید خوب گسترش خوبی است و درست است. شاید حق هم داشته باشد، چون چیزی مدون شده به عنوان معیار در اختیار ندارد.

کاشانی: غیر از آن حمایت شما را می‌طلبد.

علی‌نقی منزوی: این را بگویم که من هر روز با ایشان (احمد) دعوا دارم، دعوا بر سر این است که ما چیزی بلد نیستیم، چه کار بکنیم؟ و این را هم بگویم که من در این سن از دخترم و نوه‌هایم دارم کامپیوتر یاد می‌گیرم.

کاشانی: بسیار خوب است. کیان دیگری هم شروع کرده‌اند. به هر حال اگر شما دعوت کنید و بخواهید، کتاب‌داران هم مطمئن باشید که می‌آیند و با ذوق و شوق هم می‌آیند نه به گونه‌ای که طوری رفتار شود؛ یا دل‌سرد شوند که تا ۵۰ سال هم عقب بروند و بگویم که در کامپیوتر را هم ببندند.

جعفری مذهب: استاد، گاه بی‌اعتمادی اساتیدی مانند جناب‌عالی به کامپیوتر و توانایی‌هایش، ما را چند سال عقب می‌اندازد؟ این طور نیست؟

کاشانی: اگر اساتید فهرست‌نویسی ما بپذیرند و چراغ سبز نشان بدهند، حتماً همه استقبال می‌کنند، مثلاً آقای گلباز وقتی کار تدوین فهرست درهم کرد نسخ خطی را به شیوه کامپیوتری آغاز کرد با مخالف‌های زیادی روبه‌رو شد، اما بعد که کاربرد و نتیجه کارش را دیدند که در یک دقیقه از کامپیوتر می‌توان ۱۰۰ مورد را جستجو کرد و به دست آورد همه از آن استفاده می‌کنند.

افکاری: و این همان مقدمه‌ای است برای انجام طرح کتاب‌نامه موضوعی بزرگ فارس استاد منزوی.

کاشانی: همان‌گونه که آقای دکتر جعفری گفتند ما، مؤسسات، اساتید و محققان همه در این کار به نوعی دخیل هستیم.

احمد منزوی: اشاره کردید به طرح «کتاب‌نامه موضوعی فارسی» و کارهای دیگری که در دست دارم مایلم که درباره این آرزوهایم صحبت کنم.

از جمله کارهایی که کردم، فهرست نسخه‌های خطی دایرةالمعارف است که در سه جلد تهیه شده جلد اول چاپ شده و دو جلد دیگر زیر چاپ است.

۳ جلد نیز نسخه‌های عکسی موجود در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی را آماده چاپ می‌کنیم.

در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ما علاوه بر این که عکس تمام نسخه‌های خوب گنج‌بخش را داریم، اساتید نیز بنا به احتیاج‌شان کتاب‌هایی را از مراکز و کتابخانه‌های مختلف سفارش داده‌اند که ما از آن‌ها عکس تهیه کردیم که ۸۰۰۰ عنوان است از تمام ایران و خارج از کشور، جلد اول این کار چاپ شده است که متعلق به کرمان است.

- یک طرح دیگری که دارم آن است که «اطلسی از نمونه‌های خطوط فارس و عربی و شرقی» از قدیم‌ترین نسخه‌هایی که در ریو، پاریس و ... هست و نسخه‌هایی که عکس آن در مرکز موجود است تهیه کنم. این اطلس را بر حسب تشخیص خودم تهیه می‌کنم و تاریخچه و سیر خط را از محل کتابت، کاتب و تاریخ کتابت قریب به دو سطر مطلب نوشتم که آماده است در واقع مجموعه‌ای است از خطوط شناسنامه‌دار و بی‌شناسنامه و مشخصات هر یک را نیز در فهرست‌ها آورده‌ام این یک کاری است که در دست اجازه چاپ است.

- کار دیگرم، طرح «معجم المؤلفین» فارسی است چیزی مثل کار عمر رضا کحاله، یعنی زندگی‌نامه ننویسیم بلکه معرفی مختصری داشته باشیم و با تألیفاتشان و آثارشان بر حسب تاریخ یا الفبایی آماده شود.

من چند هزار برگه آماده کرده‌ام که امیدوارم زودتر به چاپ برسانم، اما هنوز اجازه تألیف آن را نگرفته‌ام، من اول کاری را انجام می‌دهم بعد اجازه آن را می‌گیرم.

نوشاهی: آیا این کار را بر اساس «فهرست‌واره» انجام داده‌اید؟

احمد منزوی: بله، سؤال خوبی است، چون من منبع و جای دیگری ندارم، هر چه هست در فهرست‌واره هست.

نوشاهی: بله، واقعاً شما تمام اطلاعات لازم را در فهرست‌واره جمع کرده‌اید.

احمد منزوی: بله، تمام این اطلاعات را باید از این ۸ مجلد که نوشته‌ام پیدا کنم که مؤلف آن‌ها معلوم است و گرنه بقیه مؤلفان را که نامعلوم است از کجا باید پیدا کنم؟

نوشاهی: در واقع اندیکسی از مؤلفان فهرست‌واره است با تفصیلات بیشتر.

احمد منزوی: بله، درضمن باید بگویم که آقای ثبوت دو جلد کتاب به من دادند که مؤلفش من هستم، اما برگه‌سازی آن را من نکرده‌ام، آقای عارف نوشاهی کرده است که متشکرم.

الان در یک مجلد کلام و عقاید را کار می‌کنم و بعد از آن قصد دارم که به فهرست‌واره مثنوی‌ها که در حوزه ادبیات فارسی است بپردازم که خانم داودآبادی در این مورد به من کمک می‌کند و یک دوره کامل برگه‌سازی کرده است.

بخش دیگری از کار را که مربوط به دیوان‌های اشعار می‌باشد به آقای سلیمانی داده‌ام که ایشان برگه‌سازی می‌کنند. خیال دارم که پس از کلام، مثنوی و دیوان‌ها را کار کنم.

نوشاهی: استاد، آیا کار دیگری پس از آن ادامه خواهید داد؟

احمد منزوی: بله تفکیک نکردم که چه خواهد شد. باید یک‌یک ارجاعات را که در فهرست‌ها داده‌ام بنویسم، باید برای تدوین کتاب‌نامه پیش بروم و نسخه‌ها را ببینم.

الان در مرحله تهیه فهرست اختصارات هستم که از کلمه آستان قدس شروع شده و به کلمه یزد می‌رسد.

افکاری: چگونه می‌خواهید این طرح عظیم را یک تنه انجام دهید؛ یا چاپ کنید آن هم در همه موضوعات؟

احمد منزوی: آرزویم این است که طرح کتاب‌نامه فارسی را بنویسم در تمام موضوعات، اما این آرزویی بیش نیست، چون به عمر من کفاف نمی‌دهد. این ناچیز به این اندیشه سال‌ها گام برداشتم و هر چه کوشیدم و بیشتر شنا کردم نتوانستم به آرزویم برسم و ساحل آرزو را دورتر احساس کردم تا این که حالا تبدیل به رؤیا شده است، اما گاه‌گاهی که جرعه‌هایی از امید در من به وجود می‌آید به ادامه کار دل‌گرم می‌شوم.

پیشنهاد می‌کنم که این طرح بزرگ را به گونه‌ای تازه و راهبردی پیاده کنیم. بدین منظور باید آن را به طرح‌های موضوعی کوچکتری تقسیم کنیم تا مؤسسات فرهنگی هر یک بسته به ماهیت خود بخش‌هایی از این کار را بر دوش بگیرند، مثلاً دانشکده الهیات بخش علوم دینی یا فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی بخش ادبیات را انجام دهد.

خوشبختانه پیشنهادی شد از سوی موزه ملی تاریخ علوم پزشکی ایران که بخش کتاب‌نامه پزشکی و علوم تجربی را آن‌ها انجام دهند و چاپ کنند. من هر چه کردم، یک تنه نکردم؛ بلکه با گروهی هم‌کاری کردم اول از همه، این تاج افتخار را آقای جعفری در خانه فرهنگ پاکستان بر سر من نهاد و سپس مؤسسات دیگر مرا یاری دادند.

کاشانی: متأسفانه این کار انجام نشده و کارهای بزرگ را باید آدم‌های بزرگ انجام دهند و لزوماً نباید سازمان‌های بزرگ این کار را بکنند.

احمد منزوی: بله، سازمان‌ها و مراکز کوچکتری نیز می‌توانند متولی بخش کوچکی از آن بشوند و آن را چاپ کنند. من غیر از پیشنهاد دادن چه کاری می‌توانم بکنم؟ امیدوارم این به نتیجه برسد.

من شاگردی می‌خواهم که همراه و هم‌پای من کار کند. پا به پای من بیاید و سر ساعت بیاید و سر ساعت برود. من کارمند و دستگیری می‌خواهم که مرخصی نرود. من ۱۲ سال در پاکستان بودم حتی یک روز مرخصی نرفتم، اگر شاگردی این چنین باشد، می‌توان آن فرد را ساخت و تربیت کرد.

من در پاکستان نوشاهی را ساختم و الان استاد است. اگر کسی مثل او کار کند حتماً نوشاهی می‌شود.

افکاری: امیدواریم که بر تعداد این شاگردان و علاقه‌مندان و عاشقان نسخ خطی اضافه شود و بار سنگین این مسئولیتی که شما به آنان می‌سپارید را به دوش بکشند و از این که وقت‌تان را در اختیار ما قرار دادید بسیار متشکریم.

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

- اطلس خطوط فارس و عربی و شرقی، طرحی از استاد احمد منزوی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۴ خ)
 التعريفات، میرسید شریف جرجانی علی فرزند محمد (د: ۸۱۶ ق)، گوستاو فلوگل، لایپزیگ، ۱۲۶۱ ق / ۱۸۴۵ م؛ چاپ
 دیگر: ناشر ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۰ خ؛ چاپ دیگر: مکتبه لبنان، بیروت.
 تاریخ آداب اللغة العربية، جرجی زیدان (۱۸۶۱ - ۱۹۱۴ م)، مصر، ۱۹۱۱ - ۱۹۱۴، چهار جلد.
 فهرس أعلام الذریعة إلى تصانیف الشيعة، دکتر علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
 خ. / ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م، سه جلد، جلد یکم برگه ۱-۹۱۶؛ جلد دوم برگه ۹۱۷-۱۸۰۸؛ جلد سوم برگه ۱۸۰۹ - ۲۶۹۲.
 الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الأول، آب حیات - ازهاق الباطل، حاج شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)،
 مطبعة الغری، نجف، عراق، ۱۳۱۵ خ / ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۵ م، ۵۳۶ برگه.
 الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثاني، الأسارى و الغلول - ایوان مدائن، آقابزرگ تهرانی، مطبعة الغری، نجف، عراق،
 ۱۳۱۵ خ / ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۶ م، ۵۱۹ برگه.
 الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثالث، البائیه الحمیریة - التحیه المبارکة، آقابزرگ تهرانی، مطبعة الغری، نجف، عراق،
 ۱۳۱۷ خ / ۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۸ م، ۴۹۶ برگه.
 الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الرابع، التخاطب - التیمیة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه
 مجلس، تهران، ۱۳۲۰ خ / ۱۳۶۰ ق / ۱۹۴۱ م، ۵۱۸ برگه.
 الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الخامس، ثابت نامه - چینی سازی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی،
 چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۲۳ خ / ۱۳۶۳ ق / ۱۹۴۴ م، ۳۲۰ برگه.

شیخ آقابزرگ تهرانی

۲۲

- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس، الحائريات - حزن المؤمنین، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۵ خ / ۱۳۶۵ ق / ۱۹۴۶ م، ۴۱۲ برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع، حساب - خیمه شببازی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۷ خ / ۱۳۶۷ ق / ۱۹۴۸ م، ۳۰۰ برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثامن، دائره - دیو، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۹ خ / ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰ م، ۳۰۳ برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الاول من الجزء التاسع، دیوان آئینه - دیوان دیهیم، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، مجلس شورا، تهران، ۱۳۳۳ خ / ۱۳۷۴ ق / ۱۹۵۵ م، ۳۳۶ برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الثالث من الجزء التاسع، دیوان عبدالصمد - دیوان مینوی همدانی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ خ / ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۴ م، برگه ۶۸۸ - ۱۱۴۴.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الثاني من الجزء التاسع، دیوان ذاتی - دیوان عبدالصمد، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه دولتی، تهران، ۱۳۳۸ خ / ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م، برگه ۲۳۷ - ۶۸۸.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الرابع من الجزء التاسع، دیوان نائب - دیوان یونس، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۷ م، برگه ۱۱۴۵ - ۱۵۳۹.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء العاشر، ذائقه ماتم - الرسائل و المكاتیب، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، به کوشش علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۵ خ / ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م، ۲۷۱ برگه.
- ذریعة الى تصانيف الشيعة، الجزء الحادي عشر، رساله آب حیات - الزائریه، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۵ خ / ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م، ۳۴۶ برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني عشر، الزائرية - سیه کاران، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ خ / ۱۳۸۰ ق / ۱۹۶۲ م، ۲۹۳ برگه.

شیخ آقابزرگ تهرانی

۲۳

دکتر علی نقی منزوی

- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثالث عشر، شاپور و شهناز - شرح قصیده ابن سینا العینیة، آقابزرگ تهرانی، مطبعة القضاء، نجف، عراق، ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م، ۳۹۴ برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع عشر، شرح قصیده ابن الفارض - الشینیة، آقابزرگ تهرانی، مطبعة الآداب، نجف، عراق، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۱ م، ۲۷۷ برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ خ / ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م، ۴۰۰ برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس عشر، غارات - قائد، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع عشر، قائد القوات العلویة - الکسوف و الخسوف، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۶ خ / ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثامن عشر، کشف - لیلی و مجنون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۶ خ / ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م، ۴۳۶ برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء التاسع عشر، المآب - المجاهدات، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۸ خ / ۱۳۸۹ ق / ۱۹۶۹ م، ۴۵۱ برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، العشرون، المجتبی - المسبل، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۹ خ / ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الحادي و العشرون، المستبیین - المقالة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۱ خ / ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م، ... برگه.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني و العشرون، المقالید - المنتخب، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۳ خ / ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۴ م، ۴۴۳ برگه.

شیخ آقابزرگ تهرانی

۲۴

الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثالث و العشرون، منتزع - میوه، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۴ خ / ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م، ۳۶۲ برگه.

الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع و العشرون، نائیه - نیه، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۶ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م، ۴۸۸ برگه.

الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس و العشرون، واثق - یهوه، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۷ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م، ۴۹۶ برگه.

الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس و العشرون، ذیل الذریعة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد اشکوری حسینی، آستان قدس، مشهد، ۱۳۵۸ خ، ۴۰۷ برگه.

سایت آقابزرگ تهرانی صاحب الذریعة، فهرست کتابهای خطی ایران و بخشی از جهان، استاد ناصر گلباز،

شیخ آقابزرگ تهرانی، در گفت و گو با احمد و علی نقی منزوی، گفتگوگر، دکتر فربیا افکاری، نشریه کتاب ماه کلیات ۶۹ و ۷۰، سال ششم، شماره نهم و دهم، شهریور و مهر ۱۳۸۲، برگه ۴ - ۱۳.

طبقات أعلام الشيعة القرن الرابع، هو نوابغ الرواة في رابعة المئات، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، تصحیح و مقدمه نگاری علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۹۷۱ م.

طبقات أعلام الشيعة نابس في القرن الخامس؛ یا إزاحة الحلك الدامس بالشموس المضيئة في القرن الخامس، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، سده ۵، تصحیح و مقدمه نگاری علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۹۷۱ م.

طبقات أعلام الشيعة، القرن السادس، الثقافة العيون في سادس القرون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان، ۱۹۷۱ م.

دکتر علی نقی منزوی

شیخ آقابزرگ تهرانی

۲۵

طبقات أعلام الشيعة، القرن السابع، الأنوار الساطعة في المائة السابعة، آقابزرگ تهرانی، به كوشش علينقى منزوى، دارالكتب العربى، بيروت، لبنان، ۱۹۷۲م.

طبقات أعلام الشيعة، القرن الثامن، حقائق الراهنة في اعيان المائة الثامنة، شيخ آقابزرگ تهرانی، به كوشش على نقى منزوى، دارالكتب العربى، بيروت، لبنان ۱۹۷۵م.

طبقات أعلام الشيعة، القرن التاسع، الضياء اللامع في القرن التاسع، شيخ آقابزرگ تهرانی، به كوشش دكتور على نقى منزوى، دارالكتب العربى، بيروت، لبنان ۱۹۷۵م.

طبقات أعلام الشيعة، القرن العاشر، إحياء الدائر من مآثر أهل القرن العاشر، آقابزرگ تهرانى (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، پژوهش علينقى منزوى، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶خ.

طبقات أعلام الشيعة، القرن الحادي عشر، الروضة النضرة في علماء المائة الحادية عشرة، آقابزرگ تهرانى (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، تصحيح ومقدمه نگارى علينقى منزوى (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲خ.

طبقات أعلام الشيعة، القرن الثاني عشر، كواكب المنتثرة في القرن الثاني بعد العشرة، آقابزرگ تهرانى، به كوشش علينقى منزوى، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲خ.

طبقات أعلام الشيعة، القرن الثالث عشر، الكرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة، آقابزرگ تهرانى، ۲ جلد، چاپ نجف

طبقات اعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، القسم الأول من جزء الأول، ابراهيم اردبيلى - حسن لنكرانى، آقابزرگ تهرانى (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مطبعة العلمية، نجف، ۱۳۷۳ق / ۱۹۵۴م.

طبقات اعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، القسم الثالث من جزء الأول، صالح حريرى - علوى آقابزرگ تهرانى (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مطبعة الآداب، نجف، ۱۳۸۱ق / ۱۹۵۲م.

دکتر علی نقی منزوی

شیخ آقابزرگ تهرانی

۲۶

طبقات اعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، القسم الثاني من جزء الأول، حسون براقی - صادق هندی، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مطبعة العلمية، نجف، ۱۳۷۵ ق / ۱۹۵۶ م.

طبقات اعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، القسم الخامس من جزء الأول، فاضل اردكاني - يونس اردبيلي، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، به كوشش محمد طباطبائي بهبهاني (منصور)، كتابخانه و مركز اسناد مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۹۵ / ۲۰۱۶.

طبقات اعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، القسم الرابع من جزء الأول، علی ابوالوردی - غلامعلی بارفروشی، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مطبعة الآداب، نجف، ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸ م.

فهرست نسخه‌های خطی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مجلد یکم (از ش ۱ - ۵۴۰)، گنجینه اهدایی خاندان سلطانعلی سلطانی (شیخ الاسلامی بهبهانی)، احمد منزوی، تهران، ۴۷۲، ۱۳۷۷ + هجده، فهرست ۱۲۵۰ عنوان کتاب و رساله؛ مجلد دوم (از ش ۵۴۱ - ۱۱۵۰)، تهران، ۱۳۸۴ خ، شانزده + ۵۵۲ برگه؛ مجلد سوم (از ش ۱۱۵۱ - ۱۹۶۲ پ)، تهران، ۱۳۹۰ خ.

فهرست‌واره کتاب‌های فارسی، ج ۵، احمد منزوی، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲ خ؛

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، احمد منزوی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۴ خ)، پیشگفتار مهدی غروی، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، [چهار جلد]، جلد یکم، لاهور، ۱۳۵۷ خ، ۴۳۵ برگه؛ جلد دوم، لاهور، ۱۳۵۷ خ، از برگه ۴۳۹ - ۱۰۰۸؛ جلد سوم، لاهور، ۱۳۵۹ خ، از برگه ۱۰۱۱ - ۱۹۳۳؛ جلد چهارم، لاهور، ۱۳۶۱ خ، از برگه ۱۹۲۷ - ۲۵۳۱.

فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، از احمد منزوی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۴ خ)، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. [۱۴ مجلد]: جلد ۱: لاهور، ۱۳۶۲ خ، ۹۴۹ ص. جلد ۲: لاهور، ۱۳۶۳ خ، از ص ۹۱۹ تا ۱۲۰۶. جلد ۳: لاهور، ۱۳۶۳ خ، از ص ۱۲۰۹ تا ۳۱۳۲. جلد ۴: لاهور، ۱۳۶۳ خ، از ص ۲۱۳۵ تا ۲۸۰۴. جلد ۵: لاهور، ۱۳۶۵ خ، ۹۲۱ ص. جلد ۶: لاهور، ۱۳۶۵ خ، از ص ۹۲۳ تا ۱۴۸۵. جلد ۷: لاهور، اردیبهشت ۱۳۶۵ خ، ۹۶۲ ص. جلد ۸: لاهور، ۱۳۶۶ خ، ص ۹۶۳ تا ۱۶۷۵. جلد ۹: لاهور، اسفند ۱۳۶۶ خ، ص ۱۶۷۷ - ۲۳۵۰. جلد ۱۰: لاهور، ۱۳۶۷ خ / ۱۴۰۸ ه / ۱۹۸۸ م.

دکتر علی نقی منزوی

شیخ آقابزرگ تهرانی

۲۷

۷۲۶ص. جلد ۱۱: لاهور، ۱۳۶۹خ/ ۱۴۱۰هـ/ ۱۹۹۰م. جلد ۱۲: لاهور، ۱۹۹۱م/ ۱۳۷۰خ. ۱۶۳۳-۲۳۹۰ص. جلد ۱۳: ۱۳۷۰خ/ ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۲م. ص ۲۳۹۵-۳۰۳۱. جلد ۱۴: احمد منزوی، با افزودگی به کوشش دکتر سید عارف نوشاهی ۱۳۷۵خ/ ۱۹۹۷م. ۹۴۵ص. راهنمای فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، از بانو انجم حمید، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی، اسلام‌آباد، ۱۳۷۷خ/ ۱۹۹۸م، ۹۳۶ص. بخش‌هایی از آن در اسلام‌آباد چاپ نشده باقی مانده است. راهنمای فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان. از بانو انجم حمید، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی، اسلام‌آباد، ۱۳۷۷خ/ ۱۹۹۸م، ۹۳۶ص.

فهرست نسخه‌های خطی فارسی، از احمد منزوی، نشر: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای R.C.D. [۶ + ۱ مجلد]: جلد یکم: تهران، ۱۳۴۸خ، ۷۱۷ + ۷ص. جلد دوم: (۱)، تهران، ۱۳۴۹خ، از ص ۷۲۱ تا ۱۴۸۹م. جلد دوم: (۲)، تهران، ۱۳۴۹خ، از ص ۱۴۹۰ تا ۱۸۴۱. جلد سوم: تهران، ۱۳۵۰خ، از ص ۱۸۴۵ تا ۲۶۱۵. جلد چهارم: تهران، ۱۳۵۱خ، از ص ۲۶۱۷ تا ۳۴۳۹. جلد پنجم: تهران، ۱۳۵۱خ، از ص ۳۴۴۱-۳۹۲۹. جلد ششم: تهران، ۱۳۵۳خ، از ص ۳۹۲۹ تا ۴۷۲۶.

کتاب‌نامه موضوعی فارسی، طرحی از استاد احمد منزوی (۱۳۰۴-۱۳۹۴خ)

معجم المؤلفین، فارسی، طرحی از استاد احمد منزوی (۱۳۰۴-۱۳۹۴خ)

معجم المؤلفین تراجم مصنفی الکتب العربیة، عمر رضا کحاله (د: ۱۴۰۸ق)، مکتبه مثنی، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۵ جلد، ۱۳۷۶ق.

نامه بهارستان، نادر مطلبی کاشانی، سردبیر.

نشریه کتاب ماه کلیات ۶۹ و ۷۰، سال ششم، شماره نهم و دهم، شهریور و مهر ۱۳۸۲، برگه ۴-۱۳، شیخ آقا بزرگ تهرانی، در گفت و گو با احمد و علی نقی منزوی، گفتگوگر، دکتر فربیا افکاری.

دکتر علی نقی منزوی